

سکه و مرخصی زایمان به تنهایی جمعیت را زیاد نمی‌کند، باید فکری برای بیکاری و افزایش درآمد کرد

موضوع کاهش جمعیت و پیر شدن جمعیت ایران، از سال گذشته مطرح و بحث‌های مختلفی پیرامون آن شروع شد. پس از آن تلاش‌هایی برای ارائه مشوق‌های جمعیتی شد. دولت با تدوین لایحه‌ای مشوق‌هایی برای فرزندآوری ارائه کرده است و مجلس هم با تشکیل کارگروهی این لایحه را بررسی می‌کند. سیاست‌هایی مانند سکه طلا، مرخصی زایمان، مسکن مهر، پرداخت هزینه‌های بهداشتی مادر و فرزند و...

اما آیا ارائه این سیاست‌ها به تنهایی می‌تواند به افزایش باروری کمک کند یا اینکه جوانان و خانواده‌ها مسائل دیگری هم دارند که مانع آنها برای ازدواج و فرزندآوری می‌شود؟ در همین زمینه میزگردی با حضور محمد اسماعیل سعیدی عضو کمیسیون اجتماعی مجلس و کارگروه سیاستگذاری جمعیت، محمد جلال عباسی شوازی، استاد گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران و علی اکبر محزون مدیر کل دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت را برگزار کردیم.

مشروح این میزگرد را می‌خوانید:

مدتی پیش سیاست‌های جمعیتی از سوی دولت و شورای عالی انقلاب فرهنگی تدوین و اعلام شد. با توجه به شرایط فعلی اقتصاد در جامعه و بیکاری تصور می‌کنید این سیاست‌ها می‌تواند در افزایش جمعیت مؤثر باشد؟



عباسی: ابتدا من تعریفی از سیاست‌های جمعیتی دارم. سیاست‌های جمعیتی، به مجموعه تدابیر و قوانینی اطلاق می‌شود که دولت‌ها برای بهبود وضعیت و کیفیت جمعیت وضع و اجرا می‌کنند. طراحی، اجرا و بازنگری سیاست‌های جمعیتی، یکی از وظایف کلیدی دولت‌ها است. بنابراین اینکه بحث‌های مربوط به جمعیت و سیاست‌های جمعیتی اخیراً توجه ویژه سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران کشور را به خود جلب کرده، امر مثبت و دستاورد مهمی است. با این حال، باید توجه داشت که بدون شناخت عمیق و دقیق مسائل جمعیتی، نمی‌توان سیاست‌های جمعیتی جامع و پایداری طراحی کرد. عدم شناخت درست تحولات جمعیتی، موجب ارائه طرح‌های جمعیتی به صورت ناقص یا شتاب‌زده می‌شود که حتی در صورت اجرا شدن نیز، مفید و مؤثر نخواهند بود. معمولاً در هر کشور برای ارائه طرح‌های کلان و دراز مدت، مطالعاتی دقیق و کارشناسی انجام می‌شود و بر مبنای آنها گزارش‌های علمی و مطالعاتی تهیه و در دسترس عموم و به ویژه متخصصین قرار می‌دهند تا قبل از اجرا اشکالات و نواقص طرح شناخته و برطرف شوند. قبل از نهایی شدن چنین گزارش‌هایی، لازم است جلسات کارشناسی با حضور صاحب‌نظران و متخصصان با دیدگاه‌های متفاوت برگزار شود تا ابعاد مختلف موضوع پوشکافی شده و نقد و بررسی شوند.

اما در سال‌های اخیر، با وجود اینکه بر مشکلات ناشی از خطر سالخوردگی جمعیت کشور و ضرورت توجه به افزایش جمعیت تاکید شده، گزارشی علمی و کارشناسی جامعی از وضعیت فعلی جمعیت کشور تهیه نشده که نشان دهد دغدغه مسئولان محترم کشور در مورد جمعیت از کجا شروع شده و مشکل اصلی جمعیت در کشور چیست. حتی اگر گزارشی تهیه شده اما در دسترس قرار نگرفته باشد، این سوال مطرح می‌شود که چقدر در تهیه این گزارش از نظر کارشناسان جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی در کشور بهره گرفته شده است؟ آیا گزارش‌های ارائه شده بر مبنای اجماع صاحب‌نظران در مورد مسائلی جمعیتی



بوده؟ آیا سوالات اساسی گزارش و فرضیات مربوط به روند گذشته و نیز تحولات آینده جمعیت کشور که برای طراحی سیاست‌های جمعیتی مهم است، بر مبنای توافق کارشناسی نهایی شده است؟

یعنی در تدوین این سیاست‌ها نظر کارشناسان و متخصصان جمعیتی گرفته نشده است؟

عباسی: تا جایی که من اطلاع دارم، متخصصین جمعیت‌شناسی کشور و به ویژه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، در بررسی و اعلام جنبه‌های مختلف وضعیت جمعیتی فعلی کشور، خیلی به ندرت مورد مشورت نهادهای دولتی قرار گرفته‌اند. البته ممکن است در مواردی اتفاق نظر در مورد وضعیت جمعیت وجود داشته باشد، اما این به آن معنی نیست که در همه زمینه‌ها از جمله تحولات آینده، پیش‌بینی‌های جمعیتی و فرضیات مترتب بر آن توافق وجود داشته باشد. در واقع، به نظر می‌رسد دیدگاه‌هایی که از سوی مقامات دولتی در سال‌های اخیر در مورد مسائل جمعیتی در کشور مطرح شده‌اند، انعکاسی از نظر کارشناسی متخصصین جمعیت‌شناسی و اقتصاددانان کشور نیست.

سعیدی: اعضای کارگروهی که در مجلس سیاست‌ها را بررسی می‌کنند، همه در مباحث جمعیتی صاحب‌نظر هستند اما این لایحه از سوی دولت به مجلس ارائه شده است.

به هر حال این تصمیمات به دنبال اعلام کاهش نرخ باروری و روند رو به رشد جمعیت سالخوردگی در کشور گرفته شد.

عباسی: تحقیقات نشان داده است که «نرخ باروری کل» در ایران در دو دهه اخیر کاهش شدیدی داشته و به سطح پایین‌تر از «حد جانشینی» (دو فرزند به ازای هر مادر) رسیده است. به طور طبیعی چنانچه باروری با سرعت گذشته کاهش یابد، می‌تواند اثرات منفی به همراه داشته باشد. با این حال، ارزیابی متخصصان جمعیتی این است که شرایط جمعیتی کشور در



حال حاضر، نگران‌کننده نیست. دلیل این ارزیابی این است که اولاً، سطح پایین باروری در حال حاضر نتیجه شرایط مقطعی است. درصد بالایی از زنان در حال تحصیل‌اند و برخی نیز در جست‌وجوی کارند. برخی نیز به امید بهتر شدن وضعیت اقتصادی و شرایط زندگی‌شان، ازدواج و فرزندآوری را به تأخیر انداخته‌اند. این شرایط مقطعی باعث شده که باروری در سطح پایینی قرار گیرد. اما احتمالاً نسل حاضر که ازدواج و فرزندآوری را به تأخیر انداخته‌اند، در آینده باروری بالاتری خواهند داشت. چون با وجود تأخیر در سن ازدواج، نگرش مردم ایران به اهمیت تشکیل خانواده و ازدواج مثبت است. برای مثال شواهد آماری نشان می‌دهد که در دو دهه گذشته، حدود ۹۵ درصد زوجین پس از ازدواج به فرزند اول دست یافته‌اند، و بیش از ۸۵ درصد زنان که فرزند اول داشته‌اند، برای بار دوم هم بچه‌دار شده‌اند. حتی در میان زنانی که فرزند دوم داشته‌اند نیز، بین ۴۰ تا ۵۰ درصد به فرزند سوم و بالاتر رسیده‌اند. در حال حاضر نیز اکثریت زنان و زوجین، داشتن حدود ۲ فرزند را در ذهن دارند. هر چند ممکن است زنان پس از به دنیا آوردن فرزند اول در مورد فرزند بعدی تجدید نظر کنند، اما چنانچه شرایط برای فرزندآوری فراهم باشد، باعث می‌شود در دراز مدت سطح باروری اندکی بالاتر از سطح حاضر باشد، و به اصطلاح جمعیت‌شناسان، «باروری نسلی» بالاتر از «باروری مقطعی» خواهد بود.

اما به این نکات گویا توجهی نشده است.

عباسی: زمانی که باروری به حد پایین برسد، کاهش اندکی خواهد داشت و در حد معینی ثابت خواهد شد. نتیجه سرشماری ۱۳۹۰ نشان داده است که کاهش نرخ باروری نسبت به گذشته، روند آرام و کندی داشته است. و میزان باروری کل حدود ۸/۱ فرزند برای هر خانواده برآورد شده است که کاهش زیادی نسبت به دهه گذشته نیست. نهایتاً اینکه، حتی با تداوم سطح پایین باروری، با توجه به ساختار سنی جوان جمعیت، تا چهار دهه آینده کشور ما با



رشد منفی روبه‌رو نخواهد بود. در کنار اینها، برای طراحی هر سیاست جمعیتی در ایران، لازم است به مساله «ساختار سنی» هم توجه ویژه‌ای داشته باشیم. درست است که به علت کاهش شدید باروری در دهه ۱۳۷۰ در آینده جمعیت ایران با سرعت بیشتری سالخورده خواهد شد، اما باید توجه داشت که در طراحی سیاست‌های جمعیتی باید تصویر کامل و همه‌جانبه ساختار سنی جمعیت مدنظر قرار گیرد. در حال حاضر جمعیت ایران جمعیتی جوان است و بیش از دو سوم جمعیت در سن فعالیت و کار به سر می‌برند. در صورتی که از این «پنجره جمعیتی» (نسبت بالای جمعیت جوان و دارای توانایی فعالیت اقتصادی) بهره گرفته شده و متناسب با آن شرایط اشتغال و بهره‌وری ایجاد شود، نه تنها در حال حاضر برخی از مشکلات جمعیتی از جمله تاخیر در ازدواج و فرزندآوری مرتفع خواهند شد، بلکه تولید و بهره‌وری بالاتر نسل جوان می‌تواند برای بهتر شدن وضعیت سالمندی آنان نیز مفید باشد.

همچنین باید توجه کنیم که با توجه به آنکه امید به زندگی و در واقع میانگین سال‌های عمر هر ایرانی افزایش یافته و به بالای ۷۰ سال رسیده، نباید جمعیت ۶۰ سال به بالا را سالخورده و ناتوان محسوب کنیم. در کشورهای اروپایی که جمعیت سالخورده دارند، درصد زیادی از آنان در این سنین هنوز سالم و بانشاطند و فعالیت اقتصادی دارند.

اما این شرایط برای بازنشسته‌های ایرانی وجود ندارد.

عباسی: البته باید سوال کرد که اولویت سیاست‌های جمعیتی کشور در حال حاضر چیست؟ آیا باید با توجه به ساختار سنی حاضر به نسل جوان پرداخت و نیازهای شغلی و سایر نیازهای آنان را تأمین کرد، یا اینکه توجه را به مسائل و مشکلات سالخوردگی در چهار دهه آینده معطوف نمود و نسل جوان را در اولویت قرار نداد؟ البته منظور من این نیست که توجه به مساله سالمندان مهم نیست؛ بلکه نکته این است که باید با توجه به ساختار سنی جمعیتی کشورمان، اولویت‌ها را تعیین و برای پاسخگویی به نیازهای جمعیتی مترتب بر آن



برنامه‌ریزی کرد. اما در مورد عدم توازن منطقه‌ای هم، باید دقیق‌تر مطالعه کرد. در حال حاضر رفتارهای باروری در مناطق مختلف کشور، به هم نزدیک شده و می‌بینیم که اکثر نقاط کشور حتی استان‌های مرزی و حاشیه‌ای، نرخ باروری سطح پایینی دارند. بالا بودن نسبی باروری در برخی نقاط کشور از جمله سیستان و بلوچستان، ناشی از سطح توسعه بسیار پایین آنهاست. تداوم برنامه‌های توسعه و ارائه خدمات بهداشت، آموزش و رفاه راه حل اساسی برای ایجاد توازن و همگرایی در رفتارهای جمعیتی است. با توجه به عوامل فوق، به نظر می‌رسد که شرایط جمعیتی حال حاضر کشور، بحرانی و نگران‌کننده نیست و نیازی به برنامه‌ها و مداخلات «اورژانسی» برای بهبود وضعیت جمعیت وجود ندارد. بیش از هر چیز باید مسائل را بهتر شناخت و برنامه‌های درازمدت، جامع و دارای اثرگذاری پایدار طراحی کرد.

محزون: همان‌طور که می‌دانید بررسی‌ها نشان می‌دهد سبک زندگی و تغییراتی که در آن ایجاد شده در کاهش جمعیت مؤثر بوده است. البته سن و تحصیل هم در فرایند کاهش فرزندآوری بی‌تأثیر نیست. آمار نشان می‌دهد که ۲۳ میلیون نفر در سن ازدواج هستند که ۱۱ میلیون نفر آنها هرگز ازدواج نکرده‌اند. یعنی از هر دو خانواده یک نفر ازدواج نکرده داریم. این رقم خیلی بالاست. سن ازدواج دختر و پسر بالا رفته و در درون خانواده بسیاری از معیارهای تشکیل خانواده تغییر کرده است.

آقای دکتر عباسی اشاره کردید که کشورها متناسب با اهدافی که دارند سیاست‌های جمعیتی را تدوین می‌کنند، در سایر کشورها این موضوع چگونه بوده است؟

عباسی: در کشورهای آسیای جنوب شرقی و اروپا از دهه ۱۹۷۰ که به جمعیت عدم جانشینی رسیدند، سیاست‌هایی اعمال کردند، این سیاست‌ها با توجه به فرهنگ و سیاست کشورها تدوین شد که از مرخصی زایمان تا پاداش مالی را شامل می‌شد. اما وقتی بررسی می‌کنیم کشورهایی که در طول ۳۰ ساله این مشوق‌ها را اعمال کردند، همه موفق به افزایش



باروری نشدند. در کشورهای اروپایی مانند نروژ، فرانسه سیاست‌های تشویقی تا اندازه‌ای موفق بوده اما کشورهایی مانند ایتالیا، یونان، اسپانیا و کشورهای آسیای جنوب‌شرقی که کشورهایی که ویژگی فرهنگی آسیایی نیز دارند جواب نداد. در کشور ژاپن نیز طرح تشویق مالی و همچنین سیاست طرح فرشته که خانواده محور بود اجرا شدند و بطور مرتب نیز این سیاست‌ها بازنگری شدند، اما پس از اجرای این سیاست‌ها به مدت بیش از دو دهه، باروری افزایش نداشته است. در سنگاپور از سال ۱۹۸۷ تا به حال سیاست‌های تشویقی اعمال شده و چهار بار نیز این سیاست‌ها بازنگری شده و هدف این سیاست‌ها تغییر دیدگاه‌ها و رفتار تشویق افراد به ازدواج و فرزندآوری بوده است. یکی از پاداش‌های ارائه‌شده برای تشویق فرزندآوری در سنگاپور، ارائه ۹۰۰۰ دلار برای فرزند دوم و ۱۸۰۰۰ برای فرزند سوم بوده است. علاوه بر آن، دولت سنگاپور متعهد شد با افتتاح صندوق توسعه کودک، مبلغ ۶۰۰۰ دلار برای فرزند دوم و مبلغ ۱۲۰۰۰ دلار برای فرزند سوم به این صندوق واریز کند. سایر بسته‌های تشویقی نیز برای زوجین ارائه شد. به‌رغم این حمایت‌ها، در مدت ۲۵ سال گذشته، نرخ باروری در سنگاپور افزایش نداشته و کاهش نیز داشته است. تنها در سال ۱۹۸۸ بعد از اعلام سیاست‌های تشویقی، میزان باروری تا حدی افزایش یافت که برخی معتقدند این افزایش مربوط به اعتقاد مردم در مورد سال اژدها بوده است که چینی‌ها چنین سالی را خوش‌یمن می‌دانند و بر عکس در سال ببر معتقدند که بدیمن است و بچه کمتری به دنیا می‌آورند. در مجموع، سیاست‌های تشویقی در کشورهای سنگاپور و ژاپن که فرهنگ سنتی و آسیایی دارند و تشویق‌ها نیز سخاوتمندانه‌تر و منظم‌تر بوده است، تاثیری بر باروری نداشته‌اند. چرا سیاست‌های تشویقی در کشورهای سنگاپور و ژاپن که فرهنگ سنتی و آسیایی دارند به نتیجه نرسید؟



عباسی: محققین جمعیتی بر این باورند که تا زمانی که ما زمینه‌های شکل‌گیری کاهش باروری را بررسی نکنیم امکان تدوین سیاست‌های باروری که پاسخ بدهد وجود ندارد. آنها می‌گویند دوگانگی در نهادهای اجتماعی وجود دارد. از یک طرف نهادهای فرد محور مانند آموزش، اشتغال که امکان رشد و پیشرفت برای زنان فراهم می‌کند، اما از دیگر سو به علت تقسیم کار سنتی بین زن و مرد در می‌دهد در کنار خانواده سنتی، تمام وظیفه فرزندآوری و خانه‌داری را به عهده زنان می‌گذارد. این دوگانگی بین دو نهاد باعث می‌شود که زنان برای پرهیز از این شرایط نابرابر، ازدواج و فرزندآوری را به تاخیر بیندازند. بر این اساس محققان جمعیتی پیشنهاد دادند که باید اولاً فرهنگ جامعه در مورد تقسیم کار سنتی تغییر یابد و اعضای خانواده‌ها را تشویق کرد که به زنان در امور خانه‌داری و فرزندآوری نیز کمک کنند، تا از این طریق زنان نیز امکان دستیابی به اهداف خود داشته باشند. علاوه بر ایجاد فرهنگ مشارکتی در خانواده، سایر نهادهای اجتماعی نیز لازم است تا با ارائه خدمات لازم امکانی برای زنان ارائه دهند، که ترکیب ازدواج، فرزندآوری و اشتغال برای زنان آسان شود. افزایش مرخصی زایمان و یا سایر خدمات مهد کودک برای خانواده‌ها در این راستاست.

خب اینها همه آن چیزی است که در افت رشد جمعیت در ایران تاثیرگذار بوده.

عباسی: در ایران عواملی از جمله نداشتن شغل و مسکن و امنیت شغلی باعث کاهش باروری شده، بنابراین سیاست‌های جمعیتی باید در جهت ارائه خدماتی باشد تا افراد توانایی تأمین هزینه زندگی را داشته باشند. ارائه یک سکه می‌تواند تنها می‌تواند در حد یک هدیه تولد قلمداد شود و برای برخی تنها ممکن است بخشی از هزینه زایمان را بپوشاند. اما به طور قطع این یک سکه نمی‌تواند هزینه زندگی را کاهش دهد بنابراین باید قبل از تدوین و اعمال سیاست‌های تشویقی، زمینه‌های کاهش باروری را بشناسیم تا این سیاست‌ها مقطعی نباشد و در آن صورت می‌توانیم انتظار داشته باشیم که این سیاست‌ها اثر مثبتی داشته باشد. بنابراین



با توجه به مطالبی که قبلاً مطرح شد، سیاست‌های جمعیتی باید به صورت جامع و هدف‌دار طراحی و ارائه شوند. باید مشخص شود که علت اصلی کاهش باروری در کشور چه بوده است و چه عواملی موجب افزایش سن ازدواج و تاخیر در فرزندآوری در کشور شده است. به نظر می‌رسد سیاست‌های جمعیتی در حال حاضر صرفاً محدود به باروری و ازدواج شده و سایر مسائل جمعیتی نادیده گرفته شده‌اند. فرض سیاست‌های تشویقی که ارائه شده، این است که خانواده‌ها توانایی تأمین هزینه‌های زندگی فرزندان را ندارند و بنابراین با اعطای پاداشی به زوجین می‌توان آنان را تشویق به فرزندآوری کرد.

بنابراین معتقدید که مشوق‌های مالی در مورد ایرانی‌ها هم مؤثر نخواهد بود؟

عباسی: من سنگاپور را فقط به عنوان یک مثال در زمینه ارائه انبوه مشوق‌های مالی مطرح کردم. به دلایل مختلفی که ذکر شد به نظر می‌رسد سیاست‌های تشویقی ارائه‌شده در ایران هم، حتی در صورتی که همه آنها اجرا شوند، تأثیر خاصی برای افزایش فرزندآوری نداشته باشد. اول اینکه، پاداش‌های ارائه‌شده نمی‌تواند جبران هزینه زندگی افراد باشد. پاداش یک سکه طلا برای یک فرزند، ممکن است بخش کوچکی از هزینه ازدواج و عروسی یا زایمان را بپوشاند اما کمکی برای کاهش هزینه‌های جاری زندگی نخواهد بود. علاوه بر آن، اگر زوجها احساس کنند که فرزندآوری هزینه‌های فرصت از دست‌رفته و هزینه‌های روحی و روانی دارد، چنین هزینه‌هایی قابل محاسبه و جبران نیست.

دوم، یکی از دلایل اصلی تاخیر ازدواج در ایران، نداشتن برنامه روشن برای تشکیل زندگی و عدم توانایی برای تأمین مسکن و درآمد است. در جامعه‌ای که میزان بیکاری بالا بوده و جوانان تحصیلکرده تصور و امید روشنی برای یافتن شغل ندارند، نمی‌توان آنها را با ارائه یک یا دو سکه تشویق به ازدواج و فرزندآوری کرد.



سوم، نوع دیدگاه به مسائل جمعیتی نیز مهم است. هم باروری و هم ازدواج، بیشتر به رفتارهای فردی مربوط است و چنین تصمیم‌هایی در حریم‌های فردی و خصوصی گرفته می‌شود؛ یعنی جایگاهی که بخش عمده افراد، الزاما به مشکلات جمعیتی که در سطح کلان مطرح است، توجهی ندارند.

چهارم، زمان اجرای برنامه‌ها و تداوم برنامه‌ها نیز مهم است. آیا با توجه به وضعیت اقتصادی حاضر، امکان پرداخت هزینه‌های ناشی از سیاست‌های تشویقی و پاداش‌های فرزندانوری فراهم است؟ حتی اگر برنامه‌های تشویقی اجرا شود، آیا امکان تداوم آنها نیز وجود دارد؟

پنجم، کدام دستگاه اجرایی باید موضوع سیاست‌های جمعیتی را دنبال و اجرا کند؟ آیا توافق نظر بین دستگاه‌های قانون‌گذاری و اجرایی و مهم‌تر از آن مجامع علمی در مورد سیاست‌ها وجود دارد؟ بین نهادها و سازمانهای مختلف که وظیفه اجرای بخش‌های مختلف سیاست‌های جمعیتی را به عهده دارند صورت نگرفته است.

بیش از ۲۰ سال است که سیاست‌های کنترل جمعیت و تنظیم خانواده در ایران اجرا شده است. شعارهای متناسب با آن ارائه شده و دستگاه‌های اجرایی و وزارت بهداشت در این زمینه فعالیت کرده‌اند. ادارات مربوط به این سیاست جمعیتی ایجاد شده و کارشناسانی در این زمینه فعالیت کرده‌اند. چگونه می‌توان با وجود هماهنگی‌های بین‌بخشی و سازماندهی لازم، یک‌باره سیاست‌ها را تغییر داد و انتظار داشت این سیاست‌ها در کوتاه‌مدت پاسخ دهند؟ مثال چرخش‌های آنی سیاست‌ها، همانند راننده‌ای است که در اتوبان با سرعت بالایی در حرکت است و بخواهد به صورت ناگهانی با همان سرعت در اتوبان چرخش کند. مسلم است که نتیجه چنین حرکتی برای راننده و سرنشینان چه خواهد بود.



آقای سعیدی دولت لایحه مشوق‌های افزایش باروری و سیاست‌های افزایش جمعیت را به مجلس ارائه داده است. می‌توانید جزئیاتی از این مشوق‌ها را بیان کنید؟

سعیدی: لایحه تنظیم جمعیت و خانواده در کمیسیون اجتماعی بررسی شد اما هنوز در صحن مجلس مصوب نشده است. قرار است طبق این لایحه، تمام محدودیت‌های تنظیم خانواده و محدودیت‌هایی که برای تعداد فرزندان بود لغو می‌شود. در تبصره یک این لایحه آمده است که دولت می‌تواند هر ۵ سال یکبار با توجه به نتایج سرشماری و شاخص‌های سیاستی امنیتی و شاخص‌های مندرج در برنامه ۵ ساله، نسبت به برقراری مشوق‌ها یا محدودیت‌های جمعیتی اقدام کند. تبصره دو هم به مرخصی زنان اشاره دارد که به ۹ ماه تبدیل می‌شود و همسر هم دو هفته مرخصی تشویقی می‌گیرد. همچنین در اجرای بیمه آتیه فرزندان با توجه به قانونی نبودن آن، مشکلاتی وجود داشت که این موارد در مصوبات جدید رفع خواهد شد و البته بار دیگر بیمه آتیه در سیاست‌های جدید گنجانده شده که این بار بدرستی اجرایی می‌شود. در کل معتقدم که سیاست‌های تشویقی در نظر گرفته شده باید به گونه‌ای تدوین شود که برای مدت کوتاهی اجرایی نشده و رها نشود و همچنین در مراحل بعدی آن باید سیاست‌های حمایتی، بهداشتی، درمانی، آموزشی، اشتغال و... تدوین تا این کار نیمه‌کاره رها نشود. چنانچه برنامه‌ریزی درستی برای اجرای سیاست‌های جمعیتی تدوین نشود این سیاست‌ها پس از مدتی در اجرا به شکست برمی‌خورد.

شما تصور می‌کنید با این سیاست‌ها ما بتوانیم به نتیجه دلخواه برسیم و رشد باروری داشته باشیم؟

سعیدی: به نظر من باید دید مشکل در مشوق‌هاست یا جای دیگر که ما الان به بحران رسیدیم. در کمیسیون‌های بهداشت و درمان و اجتماعی هم این مشکلات بررسی می‌شود تا با اعمال سیاست‌های تشویقی بتوانیم به نتیجه دلخواه برسیم. بسیاری از کارشناسان و



متخصصان معتقدند که این مشوق‌ها مشکل را حل نمی‌کند زیرا اکنون مشکل اصلی جوانان ما اشتغال است. در گذشته وقتی پسری برای خواستگاری می‌رفت سوال خانواده این بود که آقا داماد غیرت دارد اما الان اولین سوال شغل است. من معتقدم که بالارفتن سن ازدواج به خاطر همین موضوع است و باید زمینه کار و اشتغال جوانان را فراهم کنیم. بنابراین مشوق‌های به تنهایی نمی‌تواند این مشکل را حل کند. این یک میلیون تومان برای تولد هر نوزاد، هیچ مشکلی را حل نکرد و باز هم کاهش نرخ جمعیت را داریم. الان در بعضی استان‌ها مانند سیستان و بلوچستان میانگین تولید مثل ۷ نفر بود کاهش یافته و اکنون به ۴ نفر رسیده است. آقای دکتر عباسی هم اشاره کردند که تنها سیاست‌های مالی برای رشد اقتصادی کافی نیست.

سعیدی: در حال حاضر نگرانی‌هایی برای بهداشت، آموزش و اشتغال وجود دارد که باید تأمین شود. ما در کشورمان زمین، منابع طبیعی، نیروی انسانی کمی نداریم اما مدیریت درستی برای استفاده از آنها وجود ندارد. به نظر من در حال حاضر مشکل ما این است که برای تنظیم سیاست‌های جمعیتی یک مرکز هوشمند نداریم تا به صورت متمرکز در تدوین و اعمال سیاست‌ها اقدام کند. تا کنون هم اگر هشداری برای کاهش جمعیت داده شده، نهادها و مراکز مختلف جزیره‌ای اقدام کردند. مجلس و دولت جدا و به صورت مقطعی کار می‌کنند، در حالیکه اگر قرار است مشوقی بگذارند باید در مرکزی باشد تا به آن رسیدگی شود.

برنامه‌های تنظیم خانواده باید با هدف رشد متعادل جمعیت همراه باشد، متأسفانه برداشت‌های نادرست از این موضوع شد که باعث بروز مشکلات و در نهایت منجر به کاهش جمعیت کشور شود. در این زمینه باید سیاست‌های تنظیم خانواده اصلاح شود که در این راه نیاز به اصلاح دیدگاه‌ها و برداشت‌ها داریم و در غیر این صورت باز هم با مشکلاتی روبرو خواهیم شد. موضوعاتی همچون طلاق، تورم، آسیب‌های اجتماعی و اشتغال مشکلاتی است



که در حال حاضر در کشور با آنها مواجه هستیم که برای حل و فصل آنها برنامه‌ریزان باید در سیاست‌گذاری‌های خود به تمامی جوانب و ابعاد جمعیتی توجه داشته باشند. عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در رشد منفی جمعیت تاثیرگذار بوده است، یزان افزایش جمعیت باید متناسب با ارائه خدمات بهداشتی و معیشتی در جامعه صورت گیرد.

آقای محزون، برای افزایش جمعیت همین اقدامات کافی است؟

محزون: چند مرحله در افزایش جمعیت داریم که باید آنها را پشت سر بگذاریم. گام‌هایی باید برای حل این چالش برداریم و همه قبول دارند که باید مشکل کنترل را حذف کنیم. کشورمان در میان ۲۶ کشور منطقه از لحاظ نرخ باروری رتبه ۲۵ را دارد و همچنین افزایش هزینه‌های مالی، سیاست تک فرزندی باعث شد جمعیت ما رو به کاهش برود.

الان بیشتر جوانان دلیل ازدواج نکردن و بعد از آن عدم تمایل به فرزندآوری را نداشتن شغل و درآمد کافی عنوان می‌کنند. به نظر می‌رسد ابتدا باید مشکل اشتغال را برطرف کرد.

عباسی: تأثیر اشتغال را قبول دارم که به امنیت اقتصادی منجر می‌شود و ممکن است به ازدواج منجر شود اما مرکز هوشمند که آقای سعیدی اشاره کردند، سوال دارم؛ وقتی به مشکل کلان کشور که بیکاری و گرانی است فکر می‌کنم می‌بینم مرکز دیگری مانند مرکز عالی اشتغال، مشکل را حل نمی‌کند. موضوعات و مسائل جمعیتی برآیند وضعیت و کارکرد ساختار کلان اقتصادی و سیاسی جامعه است و بنابر این ما باید ساختار دولتی، نهادها، عملکرد مدیران دولتی و قانونگذاران را بررسی کنیم و با ایجاد هماهنگی‌های بین بخشی بتوانیم سیاست‌های جمعیتی معطوف به هدف داشته باشیم. اینکه یک مرکزی سیاست‌های جمعیتی را نظارت کند و به ما بگوید چه کنیم، در حالیکه ما نتوانیم مشکل آموزش، اقتصاد و شغل جوانان را حل کنیم این مرکز هوشمند هم مانند سایر مراکز می‌شود. ما درست



است که باید قوانین را تدوین کنیم اما نباید فراموش کنیم که سیاست‌های جمعیتی را آن مرکز نمی‌تواند به مردم دیکته کند. مجلس می‌تواند قوانینی وضع کند که زمینه فراهم شدن خدماتی برای مردم را تسهیل کند اما اینکه قرار باشد مرکزی تأسیس شود درست نیست، باید رفتارهای مردم را بشناسیم و بدانیم که چه چیزی به انگیزه مردم در این موضوع کمک می‌کند تا در جهت خواست مردم قدم برداریم.

آقای سعیدی این مرکز هوشمند چه کمکی به افزایش جمعیت می‌تواند کند وقتی ما مشکلات اقتصادی داریم؟

سعیدی: الان باید در کنار مباحث اقتصادی و سیاست‌های تشویقی فرهنگ سازی هم کنیم که دستگاه‌های فرهنگ سازی در این زمینه سازمان صدا و سیما و وزارتخانه‌های آموزش و پرورش و وزارت ارشاد هستند. اما در مورد مرکز هوشمند منظورم این است همان‌طور که برای اقتصاد، شورای عالی اقتصادی داریم یک شورای سیاستگذاری هم برای جمعیت داشته باشیم تا همه دستگاه‌ها زیر نظر این شورا تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی کنند. هم اکنون بسیاری از قوانین که در مجلس تصویب می‌شود اما اجرایی نمی‌شود به این دلیل است که نهاد و متولی خاصی برای آنها نداریم در حالی که در کشورهای اروپایی وقتی می‌خواهند قانونی را اجرا کنند ۶ ماه رسانه‌های آن کشور روی موضوع کار می‌کند و مردم را آگاه می‌کند، اما در کشور ما هر نهادی جداگانه برای خودش فعالیت می‌کند.

اتفاقاً صدا و سیما اخیراً نظرسنجی در این زمینه انجام داده است. اما آیا واقعاً اکثر زوج‌های ایرانی به داشتن دو فرزند بیشتر رضایت دارند؟ چون مشکل معیشت و شغل موضوعی است که ایرانیان با آن مواجه هستند و در این شرایط امکان فرزندآوری سخت می‌شود.



عباسی: شورای عالی اقتصاد که فرمودید مثال خوبی است. آیا این شورا موفق به حل مشکلات اقتصادی و یا اشتغال در جامعه شده است؟ یکی از مهمترین مشکل کشور در حال حاضر مشکلات اقتصادی است و این در حالی است که شورای عالی اقتصاد در سال‌های اخیر به طور مستمر فعالیت داشته است. بنابراین، همان‌طور که اشاره شد، نوع مدیریت و نگاه مدیریتی مهم است نه تنها تاسیس شورای جمعیتی راه حل مسأله نیست. شورای جمعیتی اگر تاسیس شود و بر مبنای درستی استوار نشود، اما واقعیات نظر جامعه و نظر مردم را تأمین نکند مشکل حل نمی‌شود. نباید مسأله را کوچک کرد و صرفاً گفت که مرکز هوشمند جمعیتی ایجاد شود. در حال حاضر در کشور مراکز آموزشی و پژوهشی جمعیتی وجود دارند. انجمن جمعیت‌شناسی سال‌هاست در ایران تاسیس شده و اعضای آن تحقیقات جمعیتی ارائه می‌دهند. سوال این است که چقدر از نظر کارشناسان در شناخت مسائل جمعیتی استفاده می‌شود؟ متأسفانه خلأی بین دستگاه‌های سیاست‌گذاری و مراکز علمی وجود دارد که به نفع کشور نیست. علاوه بر آن، نباید پنداشت اضافه کردن مراکز دولتی می‌تواند مشکلات جمعیتی را رصد و یا حل کند. این مرکز مشکل را حل نمی‌کند. بنابراین مسائل را باید واقع بینانه دید و از ابتدا فکر کرد که چه انتظاری از چنین مرکز هوشمند جمعیتی وجود دارد. سپس، به تاسیس چنین مرکزی همت گماشت. پیشنهادی که همواره برای ارزیابی و راهبرد مسائل جمعیتی ارائه می‌شود، ایجاد شورائی است که زیر نظر مقام عالی اجرائی کشور انجام وظیفه کند و نقش شورائی داشته باشد. با این حال، مشکلات جمعیتی را باید بصورت فرابخشی مدیریت کرد.

سعیدی: من یک سوال از شما آقای دکتر عباسی دارم. الان آموزش قبل از ازدواج مطرح است و متولی آن وزارت بهداشت اما اجرا نمی‌شود. جوانان میل به ازدواج دارند اما هیچ اطلاعی نسبت به آن ندارند. چرا باید اینگونه باشد؟ در سوره حضرت یوسف هم این موضوع



عنوان شده اما در مدارس و خانواده نمی‌توانیم این مسائل را مطرح کنیم. پدر و مادرها قبلاً خیلی واضح در مورد این مسائل با فرزندانشان صحبت می‌کردند اما الان چرا اینگونه نیست؟ عباسی: احتمالاً حساسیت‌های فرهنگی و چون مدیریت فرهنگی فرهنگی کشور اجازه نمی‌دهد.

قبلاً فرزندان، بسیاری از آموزش‌ها را از درون خانواده می‌گرفتند اما الان چنین نیست و آموزش‌های غیر رسمی از طریق اینترنت و راه‌های دیگر جای این آموزش‌ها را گرفته که گاهی هم منطبق با فرهنگ‌های ما نیست. بخشی از این به نظر من به خاطر همان مشکلات اقتصادی است که پدر و مادر ناچارند هر روز ساعت‌های طولانی کار کنند و در کنار فرزندانشان نباشند؟

سعیدی: من هم همین موضوع را می‌خواهم مطرح کنم. الان باید آموزش و پرورش و صدا و سیما ما این خلا را پرکنند و به خانواده‌ها آموزش دهند. البته دستوری نه، بلکه کارشناسان دیدگاه مردم را مطرح کنند و تصمیم‌گیری کنند.

عباسی: توجه به وظایف وزارت بهداشت و آموزش و پرورش مهم است. موضوع جمعیت تک بعدی نیست و سازمان‌های مختلف باید درگیر شوند اما به صورت هماهنگ و در جهت مشخص. مرکز هوشمند به تنهایی نمی‌تواند. باروری ناخواسته و سقط جنین و سایر مسائل جمعیتی باید حل شود. با آرمانگرایی نمی‌توان مسائل جمعیتی را حل کرد.

آقای محزون، تدوین سیاست‌های جمعیتی و اعمال مشوق‌ها همه از زمانی اعلام شد که موضوع کاهش جمعیت ایران و گسترش جمعیت سالخوردگی اعلام شد. چرا این موضوع به یکباره مورد توجه قرار گرفت؟ در حالیکه تا سال ۱۳۷۰ هم توانسته بودیم به سیاست‌های کاهش جمعیتی دست پیدا کنیم اما طرح کنترل جمعیت متوقف نشد.



محزون: بله. همه متخصصان و کارشناسان جمعیتی معتقدند که موضوع کمیت و ساختار جمعیت بسیار مهم است. اگر اینگونه پیش رویم، در آینده جمعیت جوانی هم نداریم که قادر باشد جمعیت کهنسال را حمایت کند. ۲۰ سال دیگر از هر ۵ نفر یک نفر سالمند خواهیم داشت. چاره آن است که از همین الان به این موضوع بپردازیم و به مسأله پنجره جمعیتی اهمیت دهیم. بنابراین باید ساختار جمعیت را اصلاح کنیم تا جمعیت سالمند افزایش نیابد. بنابراین همه قبول داریم که جمعیت کشور رو به کاهش است و با اصل موضوع مشکلی نداریم. وقتی ما با مجلس در این زمینه به توافق رسیدیم موضوع تأمین زیرساخت‌ها برای افزایش جمعیت مطرح شد. ما اکنون در کارگروه جمعیت مجلس، زیر ساخت‌ها را تدوین می‌کنیم اما در نهایت من هم مانند آقای سعیدی قبول دارم که ترمیم این زیرساخت‌ها و حداقل در سطح پایش نیاز به متولی دارد. همان‌طور که اشاره کردید، ما در دهه ۷۰ به موضوع کنترل جمعیت رسیده بودیم و این موضوع که استمرار آن ضرورت داشت یا نه یک بحث دیگری است. بنابراین هم اکنون برای اجرای این سیاست‌ها نیاز به متولی داریم تا این موضوع را رصد کند تا خودسرانه سیاست‌ها اجرا یا تعطیل نشوند و سیاست‌ها اثربخش باشند. تجربه دیگر کشورها هم در این زمینه همان‌طور که آقای دکتر عباسی گفتند کمک می‌کند، زیرا متناسب با شرایط کشورها این سیاست‌ها متفاوت است و ما می‌توانیم بومی سازی کنیم.

بنابراین قبل از تشویق به فرزندآوری باید مشکل ازدواج را حل کرد.

محزون: ما در سیاست‌های جمعیتی بررسی کردیم که نقاط اثرگذار بر افزایش جمعیت ازدواج، دغدغه نگهداری فرزند، طلاق کدامیک هستند. به این نتیجه رسیدیم که دغدغه اصلی نگهداری فرزند است و ما باید در این مورد سرمایه‌گذاری کنیم چون موضوع هزینه فرزند است. خانواده با توجه به مسائل اقتصادی برای بچه‌دار شدن تصمیم‌گیری می‌کند. البته به خاطر تغییر کردن فرهنگ خانواده‌ها، اکنون بسیاری از خانواده‌ها داشتن فرزند را در



شان خودشان نمی‌دانند و برای همین سال‌ها راضی به بچه‌دار شدن نمی‌شود و این ارتباطی با شرایط مالی ندارد چون گاهی از خانواده مرفه هم هستند. الان زنان خانه‌دار هم نگرانی نگهداری فرزند را دارند. الان خانواده‌ها در حال فروپاشی هستند و طلاق رو به افزایش است چون فرهنگ خانواده‌ها نسبت به گذشته تغییر کرده است.

عباسی: کاهش رشد جمعیت و سالخوردگی و عدم توازن جمعیتی در برخی مناطق کشور بزرگنمایی شده است. حال آنکه بررسی‌های جمعیت‌شناسی مسائل و مشکلات جمعیتی حاضر را حاد و بحرانی نشان نمی‌دهند. سالخوردگی جمعیت الان هم مسأله است. کسانی که در روستا زندگی می‌کنند الان هم به آنها به درستی رسیدگی نمی‌شود. همچنین درست است که در آینده جمعیت سالخورده می‌شود اما باید هرچیزی را در جای خود بررسی کرد. اولویت‌ها را باید تشخیص داد. در تاریخ تحولات جمعیتی کشور در حال حاضر بالاترین سطح نیروی جوان را الان داریم و بیش از دو سوم جمعیت ما در سنین ۱۵ تا ۶۵ ساله هستند که مولد هستند. اگر به این موضوع دقت نکنیم در آینده هم مشکل پیدا می‌کنیم تمام وقایع جمعیتی مانند تحصیلات، کار، مهاجرت، ازدواج، طلاق و فرزندآوری در این دوره جوانی اتفاق می‌افتد. بیش از ۷۰ درصد اتفاقات جمعیتی که ذکر شد در این سن اتفاق می‌افتد. این جمعیت جوان قابلیت تولید را هم دارد و بهره‌وری بالایی دارد. بنابراین پنجره جمعیتی را باید جدی گرفت. به نظر من اگر از یک سال پیش که برخی روی موضوع کاهش شدید و یا تعبیر آنها بحران باروری را تاکید کردند، وقتمان را صرف اینکه چرا ۲۴ درصد جمعیت جوان ما بیکار هستند می‌کردیم، زودتر به نتیجه می‌رسیدم. ما باید مسائل جمعیت جوان را مدیریت و ساماندهی کنیم و مشکلات آنها را پیگیری کنیم. اگر مشکل شغل و مسکن را حل کنیم خود به خود مشکل جمعیت هم حل می‌شود.



جامعه ما به خانواده و ازدواج و فرزندآوری اهمیت می‌دهد. مردم تمایل به ازدواج و بچه‌آوری دارند اما مشکل اقتصادی دارند و از اینرو ازدواج و فرزندآوری را به تأخیر می‌اندازند. چه بسا مشکلات اقتصادی و فاصله گرفتن واقعیات و انتظارات زوجین موجب طلاق می‌شود. بنابراین پنجره جمعیتی را باید جدی گرفت و رفاه و امید افراد را بالا برد. الان شرایطی در جامعه به وجود آمده که حتی دانشجویان نیز که طبیعتاً باید نسبت به آینده خود امیدوار باشند نگران آینده هستند. ساختارهای اقتصادی را باید درست کرد تا افراد و جوانان باید احساس امنیت روحی، اقتصادی و اجتماعی داشته باشند تا خودشان برای فرزندآوری بدون هیچ گونه اجباری اقدام کنند.

آقای محزون، از نظر شما کاهش فرزندآوری در کشور ما به دلایل فرهنگی است نه اقتصادی؟

محزون: ما اگر فرض کنیم که اشتغال و ازدواج هم حل شد و زوجها وارد زندگی شدند اما چالش جمعیتی آیا حل می‌شود و تضمینی در این باره وجود دارد؟ چون مطالعات ما نشان می‌دهد که فرهنگ و نگاه خانواده‌ها به فرزندآوری تغییر کرده است و ارتباطی به ثروت و شغل ندارد.

این یک بحث فرهنگی است. اما نظراتی که خوانندگان و کاربران در مطالب مربوط به افزایش جمعیت برای ما می‌گذارند نشان می‌دهد که مشکلات اقتصادی مانع فرزندآوری می‌شود.

محزون: باید این موضوع بررسی شود که آیا واقعا چنین است و اگر امکانات فراهم شود جوانان تمایلی برای بچه‌دار شدن دارند یا اینکه خللی در شان اجتماعیشان می‌دانند.

عباسی: مردم بر اساس شرایط زندگی راهشان را انتخاب می‌کنند، چرا تصور می‌کنید که مردم دچار بحران و چالش هستند. مردم بچه‌دار نمی‌شوند چون امیدی به آینده کار و شغل



خود ندارند. چون امکان تأمین هزینه‌های زندگی برایشان فراهم نیست و البته زوجین به کیفیت فرزندشان هم توجه می‌کنند.

اما آقای محزون داشتن شغل و درآمد کافی در شرایط کنونی برای ازدواج و فرزندآوری بسیار مهم است و این ارتباطی با فرهنگ ندارد.

محزون: نه اینگونه نیست.

عباسی: آقای محزون شما چند فرزند دارید؟

محزون: من سه فرزند دارم. اما برای چهار فرزند برنامه‌ریزی کرده بودم که نشد.

این به خاطر این است که شما امنیت شغلی دارید.

محزون: ما در گذشته موضوع عصای دست پیری را داشتیم اما برای ما چنین نیست و در

آینده اینگونه نخواهد بود و عصای پیری نداریم.

عباسی: امروز نهادهای اجتماعی جایگزین افراد و خانواده‌ها شده‌اند. من خودم چقدر

می‌توانم به والدینم که در روستا زندگی می‌کنند رسیدگی کنم؟ به دلیل مشکلات این امکان

وجود ندارد که همه فرزندان ما در دوران سالخوردگی به والدین خود کمک کنند. فرزندان

ما باری بر دوش خانواده‌ها هستند نه کمک به خانواده. الان باید نهادهای اجتماعی را تقویت

کرد تا به سالمندان رسیدگی کنند. در ایران و کشورهای مختلف خانه سالمندان تاسیس شد

و خود سالمندان به این نتیجه رسیدند که در خانه سالمند کیفیت زندگی بالاتر است و به آنها

راحت رسیدگی می‌شوند. نوع دیدگاه ما به بحث سالمندان باید تغییر کند. طلاق در جامعه ما

مورد قبول نیست، به همین دلیل نهادی تاسیس نکردیم که به افراد مطلقه کمک کند. در مورد

سالمندان هم همین طورستی نگاه می‌کنیم. راه حل شما برای پیشگیری از بهبود مشکلات

سالمندی درست نیست. باید نهادهای اجتماعی از سالمندان حمایت کنند. باید واقع بین بود.

این تصور که باید بچه آورد که در پیری عصای کوری شود اشتباه است همین الان ما خودمان



به پدر و مادرمان نمی‌رسیم وای به آینده.

ما هم در آینده به این سمت پیش می‌رویم؟ چون در برخی خانواده‌ها که تعدادشان کم هم نیست، زن و مرد هر دو با هم کار می‌کنند و فرصت نگهداری از فرزندان را ندارند، چه برسد به والدیشان.

محزون: سیاست پانسیون در خارج از کشور هم با وجود اینکه دولت حمایت می‌کند به بن بست رسیده است. مطالعات نشان می‌دهد که در این کشورها که دولت و نهادها هم حمایت می‌کردند اما موضوع خانواده دوباره مهم شد. من یک بحثی روی موضوع برون‌سپاری خانواده و نگهداری سالمند دارم. باید بررسی شود که آیا این طرح در این کشورها موفقیت آمیز بوده یا نه؟ الان بسیاری از سالمندان در این خانواده‌ها مشکل افسردگی دارند و به خاطر اینکه در کنار خانواده نیستند بیمار هستند. برای همین در این کشورها هم به نتیجه رسیدند که باید سالمندان در کنار خانواده باشند.

عباسی: اولاً درست نیست که بگوییم سیاست سالمندی در غرب شکست خورده است. الان خود سالمندان در این کشورها حاضر نیستند با فرزندان‌شان زندگی کنند چون با جمعی هستند که هم دوره و همسال خودشان هستند و زندگی مستقلی دارند. ثانیاً، یکی از راه‌حل‌های تأمین آسایش سالخورده‌گان آینده این است که از همین الان با برنامه‌ریزی‌های درازمدت افراد را تشویق به پرداخت بیمه‌های بازنشستگی کنند. دولت برای جوانان شغل ایجاد کند و بعد بخشی از درآمد آنها را برای پیری پس انداز کند و یا اینکه خود افراد تشویق شوند که بخشی از درآمد خود را به حساب بازنشستگی خود واریز کند تا در آینده از آن استفاده کنند. دولت می‌تواند در این زمینه نقش تسهیل‌کنندگی داشته باشد. فرض کنید بچه‌های نسل جوان به سن سالخوردگی برسند نسلی که بعد از آن هستند امکان رسیدگی به جمعیت انبوه سالمندان را ندارند و بنابراین باید نهادهای اجتماعی ایجاد و تقویت شوند و الان بهترین موقع است که



باید در این زمینه برنامه‌ریزی کنیم.

موضوع نوع نگاه به خانه‌های سالمندان است. این بن بست نیست که در غرب بخشی از سالمندان در خانه‌های سالمندی زندگی می‌کنند. بلکه شیوه جدیدی برای خدمت رسانی به بخشی از جامعه است که به دلیل تحولات اجتماعی در جامعه بوجود آمده است. بنابراین، باید تصورمان را منطبق با واقع کنیم و آن هم به جز مطالعه دقیق فواید و کاستی‌های سیاست سالمندی امکان‌پذیر نیست.

آقای سعیدی شما چطور؟ موافق این موضوع هستید؟

سعیدی: من با آقای دکتر عباسی موافق نیستم. چون نگاه ایشان متفاوت است. آداب و رسوم و سنت‌ها باید به خانواده کمک کند. همه دستاوردهای غرب خوب و مثبت نیستند. سنت و مدرنیته را باید با هم داشته باشیم. در آموزش هم ما همین مشکل را داریم. در تمام زمینه‌ها ما کپی برداشتیم و بدون بومی‌سازی اجرا کردیم. برای همین اکنون با مشکل مواجه شدیم.

عباسی: جانا سخن از زبان ما می‌گویی. ما باید درون جامعه خودمان مشکلات را حل کنیم. شما در این لایحه موضوع مرخصی زایمان و پاداش را مطرح کردید و روش‌هایی را که در سیاست‌های کشورهای دیگر جهان اعمال شده بررسی کردید و بخشی را قبول کردید. در خیلی از موارد اینگونه است. باید برنامه‌های دیگران را به درستی و دقت بررسی کرد نه اینکه به برنامه‌های آنجا مجذوب شویم و نه خیلی آنها را بدون دلیل دفع کنیم. به جای عنوان کردن بحرانهای جمعیتی باید بحث‌های کارشناسی در مراکز علمی و سیاستگذاری داشته باشیم تا سیاست‌های جامع و کاربردی تدوین کنیم.

محزون: باید بلند مدت به مسائل نگاه کرد و برای از دست دادن نهاد خانواده، فرهنگ و کارکرد خانواده نگران بود زیرا تک فرزندی رابطه خویشاوندی را از بین می‌برد. در آینده



فرزندان ما قوم و خویشی ندارند و این می‌تواند نگران‌کننده باشد.

بنابراین ما در یک جمع بندی باید عنوان کنیم که مشکل ما در کاهش جمعیت اشتغال و عدم فرهنگ سازی مناسب در این زمینه است؟

سعیدی: من موافقم که فرهنگ ما می‌تواند کار آرایشی داشته باشد اما باید به روزرسانی شود.

عباسی: این بحث‌ها نشان داد کسانی که به بحث جمعیتی نگاه می‌کنند باید شناخت درستی داشته باشند و راهکار منطقی و منطبق با شرایط داشته باشند تا جواب بدهد. اگر درست مسأله را شناسیم به نتیجه نمی‌رسیم و مانند سایر سیاست‌ها نیمه کاره می‌ماند و وقتی سیاست‌ها را تدوین کردیم زمان اجرا هم مهم است و باید دراز مدت بود.

باز می‌گردیم به موضوع سیاست‌های جمعیتی. آقای دکتر عباسی، به نظر شما با توجه به مباحثی که عنوان شد زمان اجرای سیاست‌های جمعیتی چه زمانی است؟

عباسی: مشخص نیست که با سیاست‌هایی که الان اعلام کردیم مشکل حل می‌شود. باید زمان بیشتری صرف کنیم و و سیاست‌ها را با شناخت عمیق‌تر مسائل تدوین کنیم. باید گام به گام پیش رفت تا امکان رسیدن به مرحله نهایی عملی‌تر شود. یک راه این است که مثلاً پاداش‌ها در چند روستا و شهر دو سال ارائه کنیم و اثرات آن را بسنجیم تا ببینیم این روش‌ها به نتیجه می‌رسد یا نه؟ اگر اشکالاتی در برنامه‌ها بود، سپس آنها را تجدید نظر کنیم و برنامه‌های نهایی را در سطح کشور اعمال کنیم. به هر حال، بایستی از چون این مباحث به زودی به نتیجه نمی‌رسد. زحمات دولت و مجلس را در این زمینه تقدیر کرد. ورود به مسأله خوب است اما باید مسائل را به درستی شناخت و راه درستی برای رسیدن به هدف انتخاب کرد. مهمتر از آن باید برنامه‌ها در جهت تحقق خواسته‌های مردم تدوین و اعمال شوند.

محزون: از پیش داوری باید پرهیز کرد که این سیاست‌ها اثر بخش خواهد بود یا نه.



من فکر می‌کنم باید دراز مدت نگاه کرد و خانواده را طوری نهادینه کرد که به موضوع فرزندآوری توجه کند. تاکنون مخاطب ما در این حوزه سیاست‌گزاران بودند، اما با تدوین این سیاست‌ها برای مردم فرهنگ‌سازی می‌کنیم و دولت هم این موضوع را مدیریت کند. باید در بحث فرهنگ سازی به این موضوع تأکید کنیم که خانواده‌ها بدانند کاهش نرخ باروری در آینده چه شرایط و خطراتی می‌تواند برای آنها داشته باشد، در این صورت خانواده مشکلات اقتصادی را هم برای فرزندآوری می‌پذیرد.

آقای سعیدی، ضمانت اجرایی این سیاست‌هایی که دولت تدوین کرده چیست؟

سعیدی: ضمانت اجرایی خود دولت است چون این طرح را ارائه کرده است. ما بر روی اجرای قانون نظارت داریم، اما چون لایحه را دولت داده حتما اجرایی می‌شود.

بودجه طرح چقدر پیش بینی شده است؟

سعیدی: چون در قالب لایحه است حتما دولت پیش بینی بودجه را کرده است. در لایحه دولت منابع را پیش بینی کرده و در بودجه سال بعد قرار است که آورده شود.

منبع ثابت ندارد؟

سعیدی: باید در ردیف بودجه پیش‌بینی شود و بعد از آن هر سال آورده می‌شود.

در این لایحه اشتغال زایی هم دیده شده است؟

سعیدی: ما اکنون در پیک پنجره جمعیتی هستیم و بهترین فرصت برای استفاده از آن را داریم. اما باید مشکل اشتغال را حل کرد و گام اساسی در این زمینه برداریم تا گذشته را جبران کنیم. برای همین عنوان کردم که یک مرکز هوشمند باشد تا نگاه جامعی به این موضوع شود و در قالب یک شورای عالی سیاست‌گذاری‌ها تدوین شود تا اولویت‌ها مطرح شوند و برنامه‌ریزی شود. الان باید به فکر نسل جوان بود تا در آینده هم این مشکل حل شود.

(خبرآنلاین ۹۱/۱۱/۱۷)

